

زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کج‌روانه‌ فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت

سیدحسین سراج‌زاده،* محمدرضا پویافر،** حدیث مینایی***

چکیده

مقاله حاضر در پی درک نوع جدیدی از مهاجرت‌ها در شهرستان کوه‌دشت است؛ مهاجرت به تهران برای انجام کارهای مجرمانه. به دلیل ناپیدا بودن چرایی و چگونگی انجام این مهاجرت‌ها، برای فهم و درک این مسئله از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. دلیل استفاده از روش نظریه زمینه‌ای رجوع به میدان تحقیق و رسیدن به یک نگاه امیک و درونی از مسئله موردنظر بود تا بدین‌وسیله بتوان شرایط شکل‌گیری این نوع از مهاجرت و همچنین فرایندها و روندهای تأثیرگذار بر تداوم آن و نیز پیامدهای ناشی از این پدیده را بررسی کرده و به فهم نسبتاً جامعی از مسئله رسید. در این تحقیق حجم نمونه برابر با ۲۸ نفر و روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بود. مصاحبه‌شوندگان شامل خانواده‌ها و اهالی، و فروشندگان مواد مخدر بودند. براساس یافته‌ها، ۱۲ مقوله از مصاحبه با خانواده‌ها و اهالی، و ۱۴ مقوله از مصاحبه با فروشندگان به دست آمد. عمده مقولاتی که در این تحقیق بیش‌تر بر آن تأکید می‌شد و در بین تمام گروه‌ها مشترک بودند مقوله فشار ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و مقوله فقر و نداری بود.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، کج‌روی، جرم، مجازات، فشار ساختاری، فقر، بیکاری.

serajsh@yahoo.com

mrpouyafar@gmail.com

hadisminai69@gmail.com

* دانشیار دانشگاه خوارزمی

** استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)

*** کارشناس ارشد دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۳

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۰۳-۱۳۳

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل و تحولاتی که در جامعه مدرن در حال رخ دادن است، مهاجرت است. «مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد» (امانی و دیگران، ۱۳۵۴: ۷۱، به نقل از زنگان، ۱۳۸۰). این تحرک باید به «تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد» (به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۵). به نظر برخی از صاحب‌نظران، مهاجرت نوعی انتخاب (جرج، ۱۹۷۶، به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰) است که از طرف مهاجر انجام می‌گیرد. علل و انگیزه‌های این انتخاب هر چه باشد نتیجه ملموس آن تغییر محل اقامت معمولی فرد از یک محدوده جغرافیایی به محدوده دیگر است (به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۵) تحقیق حاضر به دنبال بررسی نوع جدیدی از مهاجرت به اسم «مهاجرت کج‌روانه» است. منظور از رفتار کج‌رو، رفتاری است که به شکلی آشکار با هنجارهایی که برای پایگاه‌های اجتماعی افراد تعیین شده باشد در تناقض باشد (مرتون، ۱۹۷۱: ۸۲۴، به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰) به بیانی دیگر کج‌روی^۱ را می‌توان ناهم‌نوایی با مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که شمار زیادی از افراد یک اجتماع یا جامعه پذیرفته‌اند. مفهوم کج‌روی بسیار کلی‌تر و گسترده‌تر از جرم^۲ است که فقط به آن دسته از کردارهای ناهم‌نوایی اطلاق می‌شود که به نقض قانون می‌انجامند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۹۴-۲۹۵).

تفاوت مهاجرت کج‌روانه با دیگر مهاجرت‌ها این است که فرد مهاجر با قصد و نیت ارتکاب کارهای مجرمانه‌ای مثل فروش مواد مخدر در شهر مقصد یعنی تهران تصمیم به تغییر مکان و مهاجرت به این شهر را می‌گیرد. یکی از فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه‌ای که در سطح کشور صورت می‌گیرد، فروش مواد مخدر است. به اعتقاد جامعه‌شناسانی نظیر ساترلند (۱۹۴۹) قاچاق مواد مخدر یکی از مشاغل غیرمشروع و از نوع جرایم سازمان‌یافته است. کسانی که درگیر قاچاق مواد مخدر می‌شوند، اغلب گروه سازمان‌یافته‌ای هستند که در قالب شبکه‌ای پیچیده و به شکل حرفه‌ای عمل می‌کنند و سلسله‌مراتب سازمانی در آن‌ها کاملاً رعایت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). در کمتر از ده سال اخیر در شهرستان کوه‌دشت، شاهد فزونی روند مهاجرت کج‌روانه در بین گروهی از شهروندان این شهرستان بوده‌ایم که هر روز بر تعداد این نوع مهاجرت‌ها در بین آن‌ها افزوده می‌شود؛ مهاجرتی که با قصد فروش مواد مخدر در کلان‌شهر تهران انجام می‌گیرد. این پدیده در بعضی مناطق شهرستان کوه‌دشت مثل روستاهای سرطهران چغاپیت و کول‌بادام که در منطقه طرهان غربی شهرستان کوه‌دشت واقع هستند به یک پدیده عادی و حتی بهنجار تبدیل شده است؛ به‌نحوی که در چند سال گذشته در همین روستا، ۲۶ نفر تا اسفند ۹۵ اعدام و

1. Deviance

2. Crime

تعداد ۴۳ نفر محکوم به اعدام و همچنین تعداد زیادی از فروشندگان مواد مخدر محکوم به حبس ابد، و شماری محکوم به حبس‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در زندان به سر می‌برند (به نقل از بخش‌داری منطقه طرهان، ۱۳۹۵/۱۲/۲۶). همچنین نرخ مهاجرت منطقه طرهان که دارای ۱۷۶۴۸ نفر جمعیت می‌باشد و روستاهای مورد مطالعه یعنی (سرطرهان، کول‌بادام و چغاپیت) که در این منطقه واقع هستند، در چند سال گذشته ۲۶ درصد بوده‌است و نرخ رشد جمعیت این منطقه به ۲/۷- نزول کرده است (همان). با توجه به شرایط ذکرشده، تصمیم گرفته شد به بررسی و مطالعه موضوع در سطح منطقه طرهان و روستاهای «سرطرهان، چغاپیت و کول‌بادام» بپردازیم. در واقع این پدیده یعنی مهاجرت به تهران برای فروش مواد مخدر در بیشتر مناطق این شهرستان به چشم می‌خورد ولی از آنجایی که منطقه طرهان بیشتر از دیگر مناطق، درگیر این مسئله است و به نحوی اهالی مهاجر آن در کار فروش مواد مخدر تبحر پیدا کرده‌اند و از آن گذشته اهالی این روستا مجازات‌هایی مانند اعدام و زندان را به دلیل فروش مواد مخدر تجربه کرده‌اند و مهم‌تر از همه اینکه این مجازات‌ها هیچ‌گونه تأثیری در ادامه روند کار مهاجران نداشته است؛ بنابراین تشخیص داده شد به مطالعه این موضوع در سطح روستاهای مذکور پرداخته شود.

بررسی مسئله مهاجرت کج‌روانه‌ی فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت، از آنجایی ضرورت پیدا می‌کند که در چند سال اخیر با وجود اتخاذ شدیدترین مجازات برای فروشندگان مواد مخدر، یعنی مجازات اعدام و حبس ابد باز شاهد افزایش این نوع مهاجرت در سطح این شهرستان بوده‌ایم. به‌گونه‌ای که در بین افراد مهاجر، تعداد زیادی به همراه خانواده خود به شهر تهران مهاجرت کرده و تمام اعضای خانواده آن‌ها در شهر تهران به فروش مواد مخدر مشغول هستند. درگیری اغلب مردان منطقه مورد مطالعه در فروش مواد مخدر به پدیده‌ی عادی تبدیل شده است. این در حالی است که انتظار می‌رفت با وجود بالا رفتن تعداد اعدامیان فروش مواد مخدر، شاهد کاهش این نوع مهاجرت‌ها در سطح شهرستان مخصوصاً روستاهای مورد مطالعه باشیم، اما ما با پدیده‌ای عکس این موضوع روبه‌رو هستیم. میزان مهاجرت‌های کج‌روانه در این شهرستان مخصوصاً در روستای سرطرهان بیشتر و گسترده‌تر شده است و بر تعداد پسران واقع در سن ۱۵ تا ۱۸ ساله در بین مهاجران کج‌رو، روزبه‌روز افزوده می‌شود. در برخی از این خانواده‌ها، جوانان و مردان از حربه‌های مختلفی مانند کمک از زنان خود برای فروش مواد مخدر استفاده می‌کنند. از آنجایی که جابه‌جایی مواد به‌وسیله زنان راحت‌تر صورت می‌گیرد، خیلی از زنان به همراه شوهرانشان به انجام این کار روی آورده‌اند. لذا در بین این خانواده‌ها دستگیر شدن زنان خانواده که جابه‌جاکننده مواد مخدر هستند به پدیده‌ای عادی تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که یک زن اعدامی نیز در بین لیست اعدامیان فروشنده مواد مخدر سال ۹۳ وجود دارد. همان‌طور که گفته شد، در چند سال اخیر میزان مهاجرت افراد برای فروش مواد مخدر به‌گونه‌ای افزایش یافته است که این مسئله به

یک «وضعیت اظهارشده» در سطح شهرستان تبدیل شده است. لذا یکی از موضوعات روز و چالش‌های روزمره خانواده‌های فروشندگان، شهروندان و مسئولین در سطح شهرستان کوهدشت است، بنابراین ضروری و پر اهمیت است که به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش این پدیده بپردازیم.

این پدیده یعنی فروش مواد مخدر در سطح جامعه، حامل آسیب‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... بوده است. چرایی مهم‌بودن این مسئله «مهاجرت کج‌روانه» از چند وجه است؛ از آنجایی که پدیده فروش مواد مخدر توسط مهاجران علاوه بر اینکه هزینه‌های سنگین اقتصادی و مالی را برای کشور به‌همراه داشته، هزینه‌های گزاف‌تری از جهت نیروهای انسانی و اجتماعی برای جامعه دارد. لذا مسئله فروش مواد مخدر توسط افراد مهاجر در شهر تهران و افزایش روزافزون تعداد این فروشندگان از یک‌سو با مسائلی مانند درخطر افتادن نیروی انسانی که اقدام به مصرف مواد مخدر می‌کند، همراه است که این خود آسیب‌ها، چالش‌ها و هزینه‌هایی در سطح خانواده، اجتماع و حکومت را به‌همراه دارد و از سویی دیگر گرایش بی‌رویه گروهی از افراد روستاهای مذکور منجر به چالش‌ها و معضلاتیست که این مسئله یعنی فروش مواد مخدر برای خانواده‌های این افراد و کل جامعه به‌همراه داشته‌است. بنابراین افزایش روزافزون این‌گونه مهاجرت‌ها در سطح خانواده‌های شهرستان مزبور که به‌صورت جمعی در تهران به این کار اقدام می‌کنند و همچنین گرایش تعداد زیادی از جوانان به فروش مواد مخدر حتی در بین قشر تحصیل‌کرده شهرستان کوهدشت مخصوصاً روستاهای سرطهران، ضرورت و اهمیت بررسی مسئله را برای ما آشکار می‌کند. لذا این پژوهش در پی آن است که به درک و فهم معنای این عمل و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن، از طریق مصاحبه با این افراد، خانواده‌های آنان، اهالی روستاها و مسئولان برسد تا بتوان در جهت برنامه‌ریزی درست که منتهی به برخورد علمی با این موضوع شود، اقدام کرد. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. مهاجرت و مهاجرت کج‌روانه مردم شهر کوهدشت تا چه میزان شایع و گسترده است؟
۲. دلایل شکل‌گیری و گسترش این مهاجرت کج‌روانه چیست؟
۳. چه عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌ساز فعالیت مهاجران در عرصه خریدوفروش مواد مخدر است؟

پیشینه تجربی

مطالعه تحقیقات انجام‌شده در ایران که مرتبط با موضوع تحقیق حاضر بودند و می‌توانست به‌عنوان مبنای کار از آن‌ها استفاده کرد، نشان داد که عموم پژوهش‌های انجام‌شده فقط با یکی از متغیرهای موضوع تحقیق (مهاجرت) منطبق هستند. بنابراین سعی شد از دو دسته مطالعات استفاده شود. یک دسته از مطالعات مربوط به مهاجرت و عوامل، دلایل، شرایط و پیامدهای آن

است. دسته‌ای دیگر شامل مطالعاتی هستند که به مسئله جرم و انحرافات پرداخته‌اند. در ادامه، به ادبیات پیشین خارجی پرداخته می‌شود که عموماً مرتبط با مواد مخدر و تأثیر آن بر کج‌روی بودند. برخی از این تحقیقات به مسئله مهاجرت پرداخته‌اند.

آتش‌پور و محمدزاده (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی نقش مهاجرت در پیدایش انواع جرائم پرداخته‌اند. پژوهشگران نمونه تحقیق خود را از بین زندانیان زندان‌های استان اصفهان و چهارمحال بختیاری از بندهای معتادان، حمل‌کنندگان مواد مخدر، کلاهبرداران و سارقان به صورت تصادفی انتخاب کردند و از هر بند به‌طور مساوی با ۱۰ نفر مصاحبه شد تا مشخص شود که آیا تعداد مجرمان بومی زیاد است یا مجرمان مهاجران. نتایج نشان داد که تعداد مجرمان مهاجر مخصوصاً در بخش معتادان و حمل‌کنندگان مواد مخدر از تعداد بومیان بیشتر بود. مهاجران دلیل خود را از انجام کارهای مجرمانه، دستیابی به درآمد و اشتغال بهتر در مقصد مطرح کردند.

قاسمی اردهائی در فراتحلیل پایان‌نامه‌های سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۸۳، علت مهاجرت را در چهار علت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی بررسی کرد که علت اقتصادی در این بین از همه تأثیرگذارتر و در بین عوامل اقتصادی نیز کمبود تسهیلات در روستا و بیکاری از همه مهم‌تر بودند. عوامل اجتماعی و فرهنگی مثل (نبود مدرسه یا نبود فضای فرهنگی) نیز در رتبه بعدی علت مهاجرت روستاییان قرار داشتند. بر نقش آب کافی و زمین در بین عوامل طبیعی که مانع مهاجرت روستاییان می‌شود تأکید شده است، در کل در امر مهاجرت نقش دافعه روستا از نقش جاذبه شهر بیشتر بود.

حمیدی و فتاحی (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت به کلان‌شهر تهران پرداختند. محققان برای تعیین عوامل مؤثر بر مهاجرت به شهر تهران چهار مؤلفه (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) هم در مبدأ و هم در مقصد یعنی تهران را بررسی کردند که نتایج نشان داد عوامل اقتصادی شهر تهران تأثیرگذارترین عامل مهاجرت به این شهر بود و در رتبه بعدی عوامل اقتصادی شهر مبدأ قرار داشت.

ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم در میان زنان زندانی استان گلستان پرداختند. نتایج نشان داد متغیر فقر که با شاخص زندگی در محلات فقیرنشین و جرم‌خیز معرفی شده بود در کنار عوامل اجتماعی نظیر پایین بودن سطح تحصیلات و ضعیف بودن باورهای مذهبی در ارتکاب جرم تأثیرگذارند.

مداح و همکارش (۱۳۹۰) در تحقیقی به تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم پرداختند. این تحقیق در بین ۱۲۵ نفر از زندانیان شهر سمنان با روش پیمایش انجام شد. نتایج نشان داد که رابطه مستقیمی بین فقر و محرومیت‌های درآمدی با نرخ ارتکاب به جرم وجود دارد.

محمودیان و قاسمی اردهائی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در بین مهاجران مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی به تهران با روش کیفی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی که از طریق مهاجران پیشگام (از استان آذربایجان شرقی به تهران) به وجود آمده است نقش تأثیرگذار و مهمی در تداوم این مهاجرت‌ها به تهران داشته است.

کاظمی (۱۳۹۳) در تحقیق خود به بررسی «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روان‌گردان» پرداخت. روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی بود. نتایج نشان داد که مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به شیوه‌ای که به دور از دید عمومی و مردم انجام می‌گیرد، از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده و از دید قضات و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در این شیوه اعدام دیده نمی‌شود. لذا محقق خواهان تغییر روش‌های اعدام مانند اجرای آن در ملأعام بوده است.

نوردستروم^۱ و داکیس^۲ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «مواد مخدر و جرم» تأثیر عوامل خطر و مسیر طولانی اعتیاد و رفتار مجرمانه را بررسی کردند. درواقع محققان با فراتحلیل تحقیقات پیشین در حوزه مواد مخدر و جرم به این نتایج رسیدند که مجرمان مصرف‌کننده مواد و بقیه مصرف‌کنندگان، در بین خودشان گروه‌های یکپارچه‌ای نیستند و تفاوت‌هایی با هم دارند. گروهی از این افراد فعالیت مجرمانه خود را پیش از مصرف مواد و گروهی در حین مصرف مواد شروع کرده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که اعتیاد تعداد فعالیت مجرمانه را افزایش می‌دهد؛ به این شکل که افراد معتاد برای تأمین مواد مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند. درکل نتایج این بررسی نشان داد که ارتباط مستقیمی بین مصرف مواد و انجام جرم وجود دارد.

والدیز^۳ و سایفانک^۴ (۲۰۰۴) در تحقیق خود با عنوان «نشئگی و خوش‌گذرانی: ابعادی از رفتارهای فروش مواد در میان «گانگسترهای آمریکایی مکزیک‌گراس» به بررسی رابطه بین مصرف مواد مخدر توسط گروه‌های گانگستری و فروش مواد مخدر در جنوب تگزاس پرداختند. نتایج این تحقیق به این صورت بوده است که:

۱. بسیاری از این گروه‌های تبهکاری که فروشنده‌های مصرف‌کننده هستند، به دلیل سود مالی این کار را انجام نمی‌دهند.
۲. سازمان‌های گانگستری از اعضای خود در ازای تعهدی که به گروه دارند، محافظت و پشتیبانی می‌کنند.

1. Nordsrom
2. Dackis
3. Valdez
4. Sifaneck

۳. نزدیکی به بازار مواد مکزیکی در فعالیت آن‌ها تأثیرگذار بوده و همچنین بسیاری از اعضای گروه به واسطه شبکه‌های خانوادگی در فعالیت توزیع مواد مشغول هستند.

سامرز^۱ و همکاران (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان «رابطه ساختاری میان مصرف مواد، خرید و فروش مواد و فعالیت‌های کسب درآمد میان زنان فروشنده» انجام دادند. در این پژوهش مصاحبه با ۱۵۶ زن فروشنده مواد در دو محله شهر نیویورک که فروش مواد در آنجا زیاد بود، انجام شد. محققین در پی بررسی رابطه بین دو زمان مصرف مواد و فعالیت‌های اقتصادی مربوط به درآمد (تجارت مواد، جرم، کار قانونی و نقل و انتقال عمومی) بودند. متغیرهای مستقل شامل گزارش خود این زن‌ها از درآمد و هزینه‌ها و همچنین پارامترهای حرفه‌ای شغلی آن‌ها بودند. نتایج نشان داد که هزینه‌های مواد تأثیر ضعیفی بر انجام جرم فروش مواد داشتند. همچنین تجارت مواد، فعالیت‌های جرم که وابسته به مواد نیستند مانند کارهای قانونی را سرکوب می‌کرده است. فروش مواد در ابتدا تأثیر تسهیل‌کننده‌ای بر روی مصرف مواد داشته است. همچنین فروش مواد به زنان کمک می‌کرد که از کارهای خیابانی مثل فحشا و جرم‌های دیگر که به استراتژی‌های کسب درآمد زنان در ابتدای مواد کمک می‌کرد. شغل‌های مربوط به مصرف مواد تحت تأثیر استفاده اولیه از مواد بودند که با افزایش درآمد از طریق فروش مواد، فرصت‌های استفاده از مواد را بیشتر می‌کند. هزینه‌های اولیه مواد بر روی جرم مواد و درآمدهای فرد در آینده ناچیز بوده است. فروش مواد در بین این زنان منجر به استفاده بیشتر از مواد شده است.

تاکیناکا^۲ و پرین^۳ (۲۰۰۵) در تحقیق خود به بررسی «عوامل مؤثر بر مهاجرت: مقایسه‌ی گزینش مهاجران از پرو و مکزیکی» پرداختند. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از پروژه مهاجرت‌های آمریکای لاتین که به بررسی مهاجرت در بین مکزیکی‌ها و پرویی‌ها در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۵ پرداخته، انجام شده است. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر بر مهاجرت از این دو کشور و تفاوت در انتخاب مهاجران، به دلیل وضعیت حقوقی مهاجران نیست، عواملی مانند شهری یا روستایی بودن مهاجران یا پیش‌زمینه جامعه‌شناختی آن‌ها یا مسافت جغرافیای مهاجران تأثیرگذار نبوده است بلکه عامل مهم، ماهیت شبکه‌های به‌هم‌پیچیده مهاجران است. این شبکه‌های ارتباطی بین زمان‌های مختلف توسعه پیدا کرده‌اند و مهاجران از این شبکه‌های به‌هم‌پیوسته برای مهاجرت خود استفاده کرده‌اند

جمع‌بندی ادبیات تجربی حاکی است که ادبیات داخلی حول چند محور از جمله تأثیر مهاجرت بر رفتار کج‌روانه مهاجران بعد از مهاجرت به شهر مقصد و مشکلات و مسائلی که

1. Sommers
2. Takenaka
3. Pren

مهاجرت‌های بی‌رویه و بدون برنامه‌ای که در سطح کشور مخصوصاً از مناطق محروم و روستایی به مناطق توسعه‌یافته شهری صورت می‌گیرد، بحث می‌کردند. بیش‌تر این تحقیقات با روش کمی انجام شده‌بودند. اما در بخش تحقیقات خارجی بیشتر از روش کیفی استفاده شده‌بود. این تحقیقات به بررسی تأثیرات مواد مخدر بر ارتکاب جرم و تأثیر شبکه‌های جرم بر رفتار کج‌روانه افراد پرداخته بودند. تفاوتی که تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین ایرانی دارد، این است که روش این تحقیق کیفی است. روش کیفی «روشی برای اندیشیدن به واقعیت‌های اجتماعی و پژوهش درباره آن‌ها» است (استروس و کربین، ۱۳۹۴: ۲۶). استفاده از این روش با هدف فهم و درک پدیده مهاجرت‌های کج‌روانه از طریق مصاحبه با افراد درگیر در این مسئله است. دلیل استفاده از برخی از مطالعات ایرانی، شباهت آنها با پدیده مورد مطالعه می‌باشد چرا که برخی از پژوهش‌های داخلی (محمودیان و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۱) به شبکه‌های فامیلی و آشنایان در افزایش روند مهاجرت‌ها اشاره کرده‌اند. موضوعی که شباهت زیادی با گسترش مهاجرت‌های کج‌روانه به شیوه شبکه‌های فامیلی دارد.

۲. چارچوب مفهومی

باید توجه کرد که در تحقیق کیفی براساس نظریه زمینه‌ای از چهارچوب نظری استفاده نمی‌شود بنابراین در این روش با استفاده از چهارچوب نظری به گردآوری داده، براساس فرضیات از پیش تعیین‌شده، پرداخته نمی‌شود. دلیل استفاده از نظریه در اینجا به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای جهت حساس‌سازی ذهن پژوهشگر نسبت به مفاهیم و پدیده‌هایی است که در میدان تحقیق با آن‌ها برخورد می‌کند. درواقع می‌توان گفت مفاهیم نظری راهنمای پژوهشگر در انجام تحقیق، گردآوری و تحلیل داده‌ها می‌باشند. در این بخش به دو دسته از نظریاتی که از مفاهیم اساسی آن‌ها در پژوهش استفاده می‌شود، پرداخته شده‌است. دسته اول نظریاتی هستند که در حوزه انحرافات اجتماعی مطرح شده‌اند؛ دسته دوم نظریاتی مرتبط با مهاجرت.

نظریه‌های انحرافات اجتماعی

در این بخش آن دسته از نظریه‌هایی مطرح می‌شود که به بررسی عوامل و دلایل مؤثر بر ارتکاب جرم و بزهکاری در بین مجرمان می‌پردازند. این نظریات شامل نظریه‌های کارکردگرا، نظریه‌های کنش متقابل اجتماعی و نظریه‌های تضاد هستند.

نظریه‌های کارکردگرا

نظریه‌های کارکردگرا جرم و کج‌روی را ناشی از تنش‌های ساختاری و نبود نظم و ترتیب اخلاقی در جامعه می‌دانند. اگر آرزو و خواسته‌های افراد و گروه‌های جامعه با مواهب و پاداش‌های موجود تطابق نداشته‌باشد، این اختلاف میان آرزوها به محرک و انگیزه‌ای برای کج‌روی برخی از اعضای

زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کجروانه‌ی فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت

جامعه‌مبدل خواهد شد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۰). این رویکرد شامل نظریه فشار ساختاری (نظریه آنومی و فراوانی فرصت‌های نابرابر)، نظریه بزهکاری و محیط اجتماعی لاکاساین^۱ است.

نظریه فشار ساختاری

سؤال اصلی این نظریه این است که چرا مردم کجرفتاری می‌کنند و پاسخ کلی این نظریه به سؤال این است که عواملی در جامعه برخی از مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کجرفتاری می‌کنند (آگینتو، ۱۹۹۵) رابرت مرتون این فشار را ناشی از عدم توانایی شخصی در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند، آلبرت کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار می‌شمارد و کلاوارد و اوهلین عدم برخورداری اشخاص از فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف را واردکننده فشار بر افراد و راندن آنان به سوی کجرفتاری می‌دانند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۴۴). به عبارتی دیگر نظریه فشار ساختاری رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماعی می‌داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می‌کند. تعبیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل معروف آمده است که «فقر باعث جرم می‌شود» (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۲۷). این نظریه، فقر در یک ساختار اجتماعی را از علت‌هایی می‌داند که باعث واردشدن فشارهای اقتصادی به افراد می‌شود که همین موضوع می‌تواند منجر به روی آوردن افراد به انواع خاصی از انحرافات اجتماعی شود.

بزهکاری و محیط اجتماعی

لاکاساین می‌گوید: «بزهکاری یک میکروب اجتماعی است. این میکروب اجتماعی در محیطی که آمادگی پروراندن تبه‌کار نداشته باشد، بروز نکرده، جرمی اتفاق نمی‌افتد» بدین اعتبار هر جامعه بزهکارانی دارد که شایسته همان جامعه است، زیرا بر اثر عوامل مختلف، در فرد اثر کرده، او را به طرف ارتکاب جرمی می‌کشاند (ستوده، ۱۳۸۱: ۶۴). در واقع در این نظریه بر نقشی که جامعه و محیط اجتماعی در سرنوشت فرد دارد، تأکید می‌شود به این صورت که اگر فرد در بستر و محیطی سالم که دارای امکانات و رفاهیات قابل قبولی باشد، زندگی کند. احتمال کمتری وجود دارد که به سمت رفتار کجروانه کشیده شود. بنابراین محیط اجتماعی افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای بر کنش‌ها و رفتارهای آن‌ها دارند.

نظریه‌های کنش متقابل

جامعه‌شناسانی که جرم و کجروی را در چهارچوب سنت تعامل‌گرایی مطالعه می‌کنند کجروی را پدیده‌ای محسوب می‌کنند که به صورت اجتماعی بر ساخته می‌شود. آن‌ها این اندیشه را رد می‌کنند

1. Alexandre Lacassagne

که برخی از انواع کارکردها ذاتاً «کج‌رو» هستند. در عوض، تعامل‌گرایان در جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌اند که چگونه از همان بدو امر برخی رفتارها «کج‌روی» تعریف می‌شوند و چرا برخی گروه‌ها، و نه بقیه برچسب کج‌رو می‌خورند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

یادگیری کج‌روی: تفاوت در همنشینی

یکی از اولین نویسندگانی که گفت کج‌روی در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود، ادوین اچ. ساترلند بود. در ۱۹۴۹ ساترلند مفهومی را مطرح ساخت که بنا بود بسیاری از آثار بعدی تعامل‌گرایان را تحت تأثیر خود قرار دهد: او جرم را به چیزی ربط داد که آن را تفاوت در همنشینی می‌نامید. این اندیشه بسیار ساده است. در جامعه‌ای که حاوی خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی است، در برخی از محیط‌های اجتماعی فعالیت‌های غیرقانونی تا حدی تشویق می‌شود، درحالی‌که در سایر محیط‌ها چنین نیست. افراد از طریق همنشینی با کسانی که حامل هنجارهای مجرمانه‌اند، بزه‌کار می‌شوند. از نظر ساترلند، رفتار مجرمانه عمدتاً در گروه‌های اولیه و خصوصاً در گروه‌های همسال آموخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

نظریه‌های مهاجرت

نظریه‌های مربوط به مهاجرت به‌گونه‌ای بین‌رشته‌ای مطرح شده‌اند، به این صورت که در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی شاهد نظریه‌پردازی‌های مختلفی در مورد این پدیده هستیم. در این پژوهش از نظریه‌های که در حوزه اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی موجود است، استفاده شده است.

نظریه لاری ساستاد

لاری ساستاد به مسئله مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری پرداخت... به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است؛ زیرا بر اساس نظریه وی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به‌علاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل‌انتظار باشد. در غیر این صورت حتی اگر درآمد قابل‌انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، بازهم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد. در نظر وی هزینه‌های مهاجرت شامل هزینه‌های پولی مستقیم، هزینه‌های پولی غیرمستقیم و هزینه‌های روانی است که در مجموع آن‌ها را هزینه‌های واقعی مهاجرت می‌نامد (به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

الگوی اقتصاد دوگانه توسعه

نخستین الگوی شناخته‌شده توسعه اقتصادی که انتقال نیروی کار روستایی به شهر را به‌صورت یک عنصر همبسته دربرمی‌گیرد، به‌وسیله لوییس ارائه شد و سپس به‌وسیله فی ورنیس گسترش یافت. این الگو، کوچ را یک سازوکار متعادل‌کننده می‌شناسد و بر آن است که کوچ با انتقال نیروی کار از بخش دارای نیروی کار اضافی به بخشی که با کمبود نیروی کار مواجه است، سرانجام برابری دستمزد در دو بخش مذکور را فراهم می‌کند. الگوی موردبحث، بر پایه مفهوم اقتصاد دوگانه قرار دارد که ترکیبی از بخش کشاورزی بخورونمیر را که کم‌کاری از خصلت‌های اصلی آن است و بخش صنعتی نوین که همراه با اشتغال کامل است، در خود جای داده است. در بخش بخورونمیر، بهره‌وری نهایی کار در حد صفر یا بسیار پایین است و کارگران، دستمزدی را دریافت می‌دارند که برابر هزینه زندگی بخورونمیر آنان است از این‌رو، میزان‌های دستمزد، بر تولیدات نهایی پیشی می‌گیرد. در بخش نوین، به خاطر بالا بودن بهره‌وری یا فشارهای اتحادیه کارگری، سطح دستمزدها بالا وجود داشته باشد، کوچ از بخش بخور نمیر به سوی بخش صنعتی جریان پیدا می‌کند. این جریان، سطح تولید صنعتی و همچنین سود سرمایه‌داران را افزایش می‌دهد. فرض بر این است که چون سود، دوباره در بخش صنعتی سرمایه‌گذاری می‌شود، این وضعیت، تقاضای کار از بخش بخورونمیر را بیشتر افزایش می‌دهد. این پویا تا زمانی ادامه می‌یابد که نیروی کار اضافی در مناطق روستایی وجود دارد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۲-۷۱).

نظریه اورت. س. لی: عوامل دافعه و جاذبه

اورت. س. لی در ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» که در مجله جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد مهاجرت را تحت چهار عامل عمده ذیل تبیین کرد:

الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و یا بازدارنده).
ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا بازدارنده).
ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد.
د) عوامل شخصی.

نظریه‌ی وی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر آن اساس، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط‌زیست

را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به‌جای او درباره عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۳۳).

نظریه تودارو

تودارو درصدد تبیین مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است. وی علاوه بر آنکه در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم این مسئله را بررسی و تحلیل کرده، در اثر دیگر خود (۱۹۶۹) به تفصیل به جنبه‌های نظری آن پرداخته است. به باور وی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای درحال توسعه تنها با اختلاف درآمدی واقعی مورد انتظار مهاجر بین شهر و روستا تبیین نمی‌شود بلکه در این بین عامل مهم دیگری نیز از جمله عامل کاریابی در شهر در آن مؤثر است. تحت تأثیر این دو عامل، مهاجر از نظر اقتصادی تصمیم عاقلانه‌ای می‌گیرد که ممکن است مهاجرت یا ماندگاری او را در روستا به دنبال آورد. وی در محاسبات خود به ابعاد پیچیده این دو عامل، از جمله هزینه مهاجرت، ارجحیت زمانی، نرخ تنزیل، ارزش فعلی تنزیل شده درآمد مورد انتظار و احتمال اشتغال در بخش نوین اقتصادی توجه داشته و معتقد است که به‌رغم بالا بودن بیکاری در شهرها، احتمال یافتن شغل در این بخش، مهاجرت از روستا به شهر را برمی‌انگیزد و در صورتی که این امر به افزایش نیروی کار شهری بیش از تعداد مشاغل ایجادشده منجر می‌شود، باعث افزایش بیکاری شهری می‌شود و در مراحل بعدی به رکود مهاجرت از روستا به شهر می‌انجامد (به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۵-۱۳۶).

۳. روش‌شناسی

دلایل بسیاری برای انجام پژوهش کیفی هست. ترجیح و تجربه پژوهشگر یک دلیل است. دلیل دیگر که شاید معتبرتر از همه باشد، ماهیت سؤال پژوهش است. روش کیفی را می‌توان برای کشف عرصه‌هایی از زندگی که از آن‌ها چیزی نمی‌دانیم یا عرصه‌هایی که از آن‌ها بسیار می‌دانیم اما می‌خواهیم فهم تازه به‌دست آوریم (استرن^۱، ۱۹۸۱) به کار برد (استروس و کربین، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۳). بنابراین در این پژوهش یکی از دلایل انتخاب روش تحقیق کیفی نوع موضوع و سؤالاتی که در این تحقیق در پی پاسخ به آن‌ها هستیم، می‌باشد. به‌دلیل مبهم و ناشناخته بودن مسئله مورد بررسی، و عدم آگاهی از لایه‌های پنهان آن، لذا تنها با استفاده از ابزارهای روش تحقیق کیفی مانند مصاحبه یا مشاهده میدان از نزدیک می‌توان به درک و فهم عمیقی از واقعیت این مسئله رسید. بنابراین از طریق برداشت، تفسیر و معنایی که روشندگان مواد مخدر و همچنین

1. Stern

مسئولین نیروی انتظامی، خانواده‌های فروشندگان مواد مخدر و اهالی از مهاجرت کجروانه به شهر تهران برای فروش مواد مخدر دارند، می‌توان به درک و فهم درستی از مسئله مورد بررسی دست پیدا کرد. در این تحقیق ابزار رسیدن به درک و فهم عمیق، استفاده از روش نظریه زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای روشی است که محقق از طریق گردآوری داده‌ها از دل میدان مورد مطالعه و از افراد و کنشگران آن عرصه به یک نظریه جدید دست می‌یابد. بنابراین محقق با ذهنیتی به دور از هرگونه چهارچوب نظری و فرضیه از پیش تعیین‌شده‌ای وارد میدان مورد مطالعه شده و داده‌های خود را بدون هرگونه پیش‌داوری در مورد پدیده در حال بررسی از طریق داده‌های اکتشافی جمع‌شده از میدان، به دست می‌آورد. با توجه به حساس بودن مسئله مورد بررسی یعنی بررسی زمینه‌های اجتماعی مهاجرت کجروانه فروشندگان مواد مخدر، در پی آن هستیم که با استفاده از روش نظریه‌ای زمینه‌ای بتوان به درک‌هایی از لایه‌های پنهان این مسئله برسیم.

برخلاف پژوهش کمی که با استفاده از فنون مختلف نمونه‌گیری احتمالی، انتخاب مواردی را هدف قرار می‌دهد که نماینده واقعی و معرف کل جامعه‌ای باشند که این موارد از آن گرفته شده‌اند، پژوهش کیفی نمونه‌های خود را به صورت هدفمند انتخاب می‌کند. نمونه‌گیری هدفمند که بر مفهوم نمونه‌گیری نظری استوار است، راهبردی است که براساس آن، پژوهشگر تعمداً به انتخاب محیط‌ها، افراد یا رخداد‌های ویژه‌ای اقدام می‌کند که تأمین‌کننده اطلاعات مهمی هستند که به دست آوردن آن از طریق سایر انتخاب‌ها میسر نیست. در تصمیم‌گیری مربوط به نمونه‌گیری در پژوهش کیفی، مهم‌ترین اصلی که در نظر گرفته می‌شود، انتخاب محیط‌ها، زمان‌ها و افرادی است که بتوانند اطلاعات موردنیاز برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش را فراهم آورند. ملاک اصلی انتخاب شرکت‌کنندگان برای پژوهش کیفی، تجربه‌کردن پدیده مورد مطالعه است. منطق نمونه‌گیری هدفمند، عبارت از انتخاب مواردی غنی از اطلاعات، یعنی انتخاب مواردی است که امکان مطالعه عمیق را فراهم می‌سازند. موارد غنی از اطلاعات مواردی هستند که پژوهشگر از طریق آن‌ها می‌تواند اطلاعات فراوانی درباره موضوع‌های اساسی مربوط به مسئله و هدف پژوهش به دست آورد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۳).

در بین مناطق شهرستان کوهدشت، منطقه‌ای انتخاب شد که مهاجرت از زادگاه به مقصد شهرهای دیگر به‌ویژه تهران برای کسب درآمد از راه فعالیت‌های مجرمانه، به‌ویژه خریدوفروش مواد مخدر، جنبه ملموس و بارزی داشته است. این پدیده را می‌توان در یک نامگذاری اصطلاحی، «مهاجرت کجروانه» نامید. منطقه طرهان غربی در شهرستان کوهدشت شامل روستاهای مختلفی است؛ در این میان برخی از روستاهای این منطقه، پدیده مهاجرت کجروانه، به بخشی از زندگی عادی مردمانش تبدیل شده‌است. از جمله این روستاها، می‌توان روستاهای سرطهران که خود شامل سه روستا می‌باشد، روستای چغاپیت و کول‌بادام را که در مجاورت این روستاست، نام برد.

مردم روستاهای مذکور این مسئله را تجربه کرده‌اند، لذا می‌توانند اطلاعاتی غنی را درباره آن به پژوهشگر انتقال دهند.

درواقع این پژوهش در پی بررسی زمینه‌های اجتماعی پدید آمدن مسئله مورد مطالعه، از دیدگاه اهالی روستاهای مورد نظر، خانواده‌های افراد درگیر در فروش مواد مخدر و همچنین خود افراد مهاجر فروشنده مواد مخدر بوده است. لذا بر همین اساس از تمامی این گروه‌ها مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه با آنان تا زمانی که به اشباع نظری رسید، ادامه پیدا کرد. در واقع بعد از مطالعات اکتشافی پژوهش، اولین گروهی که در پژوهش حاضر برای مصاحبه نهایی انتخاب شدند، خانواده‌های افراد درگیر در پدیده مهاجرت بودند. از آنجایی که حداقل یکی از فرزندان بیشتر اهالی روستاهای مورد مطالعه در زندان به سر می‌بردند، لذا بهترین مکانیسم برای ورود به این خانواده‌ها، انجام مصاحبه با آنها در مورد فرزندان زندانی‌شان بود؛ به این صورت که می‌توانستیم به واسطه سؤالاتی مرتبط با فرزند زندانی آنها از وضعیت سایر اعضای خانواده اطلاع پیدا کرده و جواب سؤالات خود را دریافت کنیم. بنابراین این گروه بهترین نمونه برای شروع مصاحبه‌ها تشخیص داده شد. پس از جلب اعتماد و اطمینان، مصاحبه با دو نفر از خانواده‌هایی که فرزندان آنها در زندان بودند، انجام شد و سپس با معرفی خانواده‌های جدید، از سوی این افراد، مصاحبه‌های بعدی صورت پذیرفت. با همکاری این خانواده‌ها و معرفی خانواده‌های جدید به پژوهشگر، کار گردآوری داده‌ها به پایان رسید. پژوهشگر با انجام کار استخراج داده‌های این گروه از نمونه پژوهش، متوجه شد که در مصاحبه هفتم به اشباع نظری رسیده است اما برای رسیدن به اطمینان کامل این کار را تا مصاحبه دوازدهم ادامه داد. زمانی که پژوهشگر متوجه شد که هیچ مفهوم یا مقوله جدیدی به مقولات و مفاهیم قبلی اضافه نمی‌شود با مشورت استاد راهنمای خود به مصاحبه با خانواده‌ها پایان داد.

از دیگر دلایل انتخاب خانواده‌ها به عنوان نمونه اول این بود که پژوهشگر می‌توانست با محیط روستا و ذهنیت اهالی آنجا درباره مهاجرت‌های کج‌روانه آشنا شود و به این طریق بتواند چند مصاحبه با افرادی از اهالی روستاهای مورد مطالعه، که مهاجرت نکرده بودند، انجام دهد و همچنین روزه‌ای برای دستیابی به مهاجران باشد. حسن این کار این بود که مهاجران درگیر در فروش مواد مخدر با اطمینان خاطر که از طرف اهالی روستا پیدا کرده بودند و همچنین تلاش فراوان پژوهشگر در جلب اطمینان و رضایت آنان، حاضر به مصاحبه شدند. مصاحبه با فروشندگان مواد در تاریخ ۹۴/۹/۲۰ به واسطه معرفی آشنایان و اهالی روستا و هماهنگی‌های آنها با سه نفر در تهران انجام گرفت. انجام مصاحبه با فروشندگان بعد سه مصاحبه اولیه در تهران غیرممکن شده بود، بنابراین تشخیص داده شد به روستاهای مورد مطالعه برگشته و در زمان تعطیلات مانند عید و تابستان که مهاجران برای گذران اوقات فراغت به منطقه خود برمی‌گردند به انجام مصاحبه

پرداخته شود. مصاحبه با این گروه بعد از معرفی یکی دو نفر از سوی اهالی، در ادامه به روش گلوله برفی یعنی معرفی از طریق مصاحبه‌شونده‌های قبلی صورت گرفت. در مجموع، مصاحبه با فروشنده‌ها در مصاحبه ششم به اشباع نظری رسید اما پژوهشگر جهت اطمینان بیشتر از استخراج داده‌های جدید، تا مصاحبهٔ دهم به کارش ادامه داد و در کل زمان مصاحبه با فروشندگان مواد مخدر تا ۹۵/۹/۲۶ به طول انجامید.

مصاحبه با اهالی روستا نیز به‌عنوان یکی از مطلعین پدیده مورد مطالعه با شش نفر صورت گرفت. در واقع پژوهشگر در پی آن بود که مسئله مورد نظر را از زاویه دید این گروه نیز مورد بررسی قرار دهد. مصاحبه با اهالی به دلیل حضور تعداد کمی از جوانان ساکن در روستا، نمونه کوچکی را تشکیل می‌داد. افراد پاسخگو در صحبت‌های خود اشاره می‌کردند ما در روستا جوانی نداریم که مهاجرت نکرده باشد مگر اینکه عقب‌مانده جسمی-ذهنی یا مریض جسمی باشد. دلایل خود را نیز از عدم مهاجرت، شرایط خانوادگی مثل نگهداری از پدر و مادر مطرح می‌کردند و اکثراً تمایل به مهاجرت داشتند. این گروه نیز با پاسخگویی به سؤالات پژوهش کمک و افری به فهم بهتر و دقیق‌تر پدیده مهاجرت‌های کج‌روانه، و نیز پی‌بردن به چرایی و چگونگی پدید آمدن این مسئله کردند. در کل مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه به‌طور مختصر به صورت زیر بود:

- فروشندگان مهاجر: ۱۰ نفر (۹ مرد و یک زن)

- خانواده‌ها: ۱۲ خانواده، یک نفر مرد و ۱۱ نفر زن

- اهالی روستا: ۶ نفر مرد

بعد از گردآوری داده‌ها کار استخراج یافته‌ها در سه مرحله با روش‌های کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام گرفت و مقوله هسته بدین ترتیب به دست آمد.

ع. یافته‌ها

برای ارائه و تشریح یافته‌های پژوهش، ابتدا به ۱۴ مقوله محوری به‌دست‌آمده از داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها می‌پردازیم. در اینجا برای تشریح بهتر مقوله‌ها به متن مصاحبه‌ها ارجاع داده خواهد شد.

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جدول ۴. کدهای اولیه، مقولات فرعی، مقولات اصلی و مقوله گزینشی

ردیف	مقوله	مفهوم	نوع مقوله
۱	فقدان امکانات و بیکاری	نبود امکانات در شهرستان- عمل نکردن مسئولان شهرستان به وعده‌های خود- نبود مدرسه در تمام مقاطع تحصیلی- محروم بودن منطقه محل زندگی- بیکاری جوانان- مسائل اقتصادی- کم‌بودن درآمد مهاجران در تهران- احساس اختلافات طبقاتی- هزینه‌های بالای زندگی در تهران- بیکاری قشر تحصیل کرده- رقابت	شرایطی
۲	تجربه فقر و فشار روانی	تجربه کارگری در تهران و شهرهای دیگر- ناتوانی خانواده در تأمین مخارج- عدم تأمین مخارج با پول کارگری- موانع مالی ادامه تحصیل	شرایطی
۳	یادگیری اجتماعی	سابقه اعضای خانواده در کار فروش مواد- پیشنهاد همکاری از طرف دیگر فروشنده‌ها- تشویق دوستان- شبکه فامیلی در تأمین مواد- حضور فامیل و آشنایان فروشنده در تهران- مشاهده ثروت فروشنده‌های مهاجر	شرایطی
۴	تغییرات جوی و اقلیمی	نباریدن باران و خشکسالی	شرایطی
۵	مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت	عدم رغبت جوانان به انجام کارهای سنتی- کسب آسایش- کسب استقلال مالی- اهمیت رفاه خانواده	علی
۶	شرایط اجتماعی و اقتصادی تهران	ناشناس بودن در تهران- بی‌اعتنایی شهروندان تهرانی- فروش مواد زیاد در تهران- نبود کار در تهران- زیادبودن تعداد معتادین در تهران- بزرگی و شلوغی تهران تأمین‌کننده امنیت	شرایطی
۷	کم‌شدن کنترل خانواده‌ها	بی‌خبری خانواده‌ها از شروع به کار خلاف فرزندان - گوش‌ندان دادن به حرف والدین- خوشبین نبودن به ترک این کار	علی
۸	نگرش منفی والدین به این کار	تنفر خانواده‌ها از سازندگان مواد مخدر- باور به حرام بودن پول مواد فروشی- ترس شدید خانواده‌ها	علی
۹	ناکارآمدی نظام نظارت و کنترل	عدم تأثیرگذاری مجازات- فروشنده‌های مواد منبع درآمدی برای قوه قضائیه- فساد در بین نیروی انتظامی- ضعف نظام زندان‌ها- خلاهای قانونی- وجود نقص در عملکرد نیروی انتظامی	علی
۱۰	محرک‌های تداوم مهاجرت	عدم تمایل فروشنده‌های حرفه‌ای به انجام کارهای عادی- درآمد بالای فروشنده‌های حرفه‌ای- کسب درآمد بالا مانع ترسیدن	پیامدی
۱۱	جاذبه‌های اقتصادی مهاجرت ناپهنجار	تغییر اوضاع مالی فروشنده‌های قبلی- مقایسه کارگری با فروشنده‌گی- ساخت مواد توسط مهاجرین- فروش مواد روزنه‌ای برای تغییر شرایط جوانان	علی
۱۲	همه‌گیر بودن مهاجرت‌ها	تأثیر جو روستا- گرایش قشر تحصیل کرده به این کار- زیادبودن تعداد مهاجران- زنان فروشنده	پیامدی
۱۳	قیح فروش مواد مخدر در مبداء	مخالفت خانواده‌ها با فروشنده‌گی فرزندانشان- زشت بودن فروش مواد در کوهدشت- ناامنی این جرم در کوهدشت- عدم اعتماد به خریداران مواد در کوهدشت	مکانیسم کنترل‌کننده
۱۴	پهنجارشدن جرم	عادی بودن مسئله در سطح روستا- هنجارشدهن فروش مواد مخدر- برخورد عادی مردم با این مسئله- جو روستا- تشویق از سوی خواهر- نگاه تحقیرآمیز به مردم عادی- مغرورشدن فروشنده‌ها- ادامه تحصیل با پول مواد	پیامدی

فقدان امکانات و بیکاری

این مقوله شامل زیرمقوله‌های «نبود امکانات در شهرستان، بیکاری، بیکاری تحصیل کرده‌ها، پارتی‌بازی، عمل نکردن مسئولان شهرستان به وعده‌های خود، نبود مدرسه در تمام مقاطع تحصیلی، محروم بودن منطقه محل زندگی» اگر بخواهیم به توضیح یکی از زیرمقوله‌های مذکور بپردازیم آن مقوله بیکاری است. رتبه اول بیکاری استان لرستان بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ (مرکز آمار ایران) دامنگیر منطقه مورد مطالعه نیز بوده است. نبود زمینه‌ها و امکانات اشتغال‌زایی لازم در شهرستان کوهدشت، راه را برای اشتغال جوانان خود بسته است. این شهرستان به خاطر بالابودن میزان جمعیت جوانش طبق آمار فرمانداری شهرستان کوهدشت در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۰ (۳۶ درصد از جمعیت شهرستان) را تشکیل می‌دهند این جمعیت که در سن اشتغال نیز هستند با بحران بیکاری روبه‌رو بوده و از آنجایی که هیچ‌گونه سیاست و برنامه‌ریزی مشخصی برای ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب اقتصادی، جهت جذب این افراد به بازار کار صورت نگرفته است، لذا در زمان حال با پدیده‌ای با عنوان مهاجرت کجروانه روبه‌رو است. همان‌طور که در مصاحبه‌ها افراد پاسخگو مطرح می‌کردند، این افراد قبل از مهاجرتشان به تهران حاضر به انجام کارهای خیلی ساده حتی با کمترین دستمزد در شهرستان خود بوده‌اند، ولی به خاطر مهیا نبودن هیچ‌گونه بستری برای جذب آن‌ها، مجبور به مهاجرت شده‌اند. یکی از پاسخگویان (فروشندگان) می‌گوید:

«اگر منطقه‌مون کار بود من نمی‌رفتم سمت این کار (فروش مواد)، قبل موادفروشییم هم می‌گفتم خدایا یه کار باشه که من در مقابل زن و بچه‌ام و مهمان‌هایی که برام می‌آد شرمنده نشم.»

یکی از پاسخگویان (فروشندگان) می‌گوید:

«وضعیت مالی ما خوب نبود، پشتوانه مالی نداشتیم بتونم ادامه تحصیل بدم، می‌دونستم یه مدت دیگه باید برم دانشگاه و نمی‌تونستم هم دانشگاه برم و هم کارگری کنم که خرج خانواده و خودم رو بدم»

مسئله دیگر، بیکاری تحصیل کرده‌هاست؛ در شهرستان کوهدشت به دلیل زیادبودن تعداد تحصیل کرده‌های بیکار، نوعی نگاه منفی نسبت به ادامه تحصیل به وجود آمده است که همین موضوع منجر شده است که خیلی از جوانان منطقه مورد مطالعه تمایلی به ادامه تحصیل نداشته باشند. در مصاحبه‌هایی که با افراد انجام گرفت، بی‌امکاناتی منطقه طرهان مثل نبود مدرسه در روستاهای مورد مطالعه نیز یکی از دلایل ترک تحصیل این جوانان ذکر شد، این امر خود یکی از پیامدها و مشکلات ساختاری شهرستان است.

یکی دیگر از پاسخگویان (خانواده‌ها) می‌گوید:

مشکل ما بیکاریه، چون ما الان خیلی تحصیل کرده و دانشگاه‌رفته داریم یا مواد می‌فروشند یا زندان هستن، اصلاً آگه این منطقه کار باشه کسی نمی‌ره سمت این

کار. نگاه کن تو این منطقه کسی که کارمند دولتی که تو این کار نیست، کسی تو این کاره که بیکاره، واقعاً خرج زندگی‌ها بالا رفته، زمانی که بیکارند می‌رن سمت این کار، وقتی که می‌رن و می‌بینن که پولش خوبه، دیگه عادت می‌کنن. آدم‌ها سیری‌ناپذیرند هم‌ش حرص و طمع دارن و همین باعث می‌شه که از این کار دست برندارن. من الان یکی از برادرزاده‌هام تهران زندگی می‌کنه دانشگاه قبول شد، رفت دانشگاه دید همه دوستاش ماشین مدل‌بالا دارن، گفت منم ماشین این‌طوری می‌خوام، دیگه همین باعث شد که دانشگاه رو ول کرد، اومد تو این کار.

یکی از پاسخگویان (فروشنندگان) می‌گوید:

متأسفانه این منطقه ما یک منطقه عقب‌مانده است. از خیلی چیزها جا مانده‌ست، از جاده گرفته تا آب، مسئولین اصلاً به این منطقه هیچ رسیدگی نمی‌کنند. ما یک جاده داریم ۷ کیلومتر خاکیه، هنوز که هنوزه اون رو آسفالت نکردن، آب خوردن هم کم می‌آریم، بیشتر اهالی این منطقه بعد از بیکاری به خاطر بی‌آبی مهاجرت کردن.

تجربه فقر و شرایط آن

امر مهمی که در این مقوله به آن اشاره می‌شود پدیده‌ای است به نام فقر که باعث می‌شود افراد به خاطر تغییر شرایط خود و فرار از آن، به هر کاری حتی جرم سوق پیدا کنند. فقر به دلیل اینکه پدیده‌ای نسبی است و نمی‌توان آن را در همه‌جا یکسان تلقی کرد بنابراین تعریف آن مشکل است؛ چون این پدیده بسته به شرایط، زمان و مکان‌های متفاوت، تعریف آن فرق می‌کند. فقر مردم منطقه مورد مطالعه یک چیز کاملاً ملموس و واضح برای پژوهشگر است چراکه به‌خاطر نزدیکی محل سکونت پژوهشگر به این منطقه و همچنین آشنایی با این منطقه، این مسئله پدیده نادری نیست؛ و می‌توان به‌طور حتم گفت که مردمان این منطقه قبل از مهاجرت در بدترین شرایط ممکن از لحاظ اقتصادی و معیشتی زندگی می‌کردند. شرکت‌کننده شماره ده می‌گوید (فروشنندگان مهاجر):

«وضعیتمون در حد بخورونمیره فقط. مادرم پابه‌پای پدرم تو کار کشاورزی و دام‌پروری کار می‌کنه ولی به هیچ‌کدوم از خرج‌هامون نمی‌رسه»

یکی دیگر از پاسخگویان (مادر خانواده) می‌گوید:

«اگه پلیس بیاد این وضع خونه و زندگی من رو ببینه به عمق بدبختی‌های من پی می‌بره و پسر رو آزاد می‌کنه.»

یکی دیگر (دختر خانواده) می‌گوید:

«وضعیت مالی ما اصلاً خوب نبود، پدرم با بدبختی تمام کشاورزی می‌کرد تا خرج زندگی مون رو بده.»

یکی از داده‌های مهمی که از مصاحبه با این افراد به دست آمد، تأکید آن‌ها بر فقر و وضعیت اقتصادی ضعیف به‌عنوان یکی از علت‌های رفتن به سمت جرم بود. فقر و نداری البته نه لزوماً ولی می‌تواند به‌عنوان محرکی برای رفتن فرد به سمت کار خلاف باشد.

یادگیری اجتماعی

این مقوله به مکانیسم‌ها و زمینه‌های اجتماعی اشاره می‌کند که به‌واسطه آن افراد با جرم و نحوه انجام آن آشنا می‌شوند یا حتی برای انجام کار جرم انگیزه پیدا می‌کنند. زمانی که فرد در محیطی قرار دارد که حاوی خرده‌فرهنگ‌های کجروانه است، و در این محیط‌های اجتماعی فعالیت‌های غیرقانونی تا حدی تشویق می‌شود، فرد از طریق هم‌نشینی با کسانی که حامل هنجارهای مجرمانه‌اند، بزه‌کار می‌شوند. محرک‌هایی در این مهاجرت‌ها وجود دارد که سایر ساکنان روستا را برای اقدام به مهاجرت مصمم‌تر می‌کنند. محرک‌هایی مانند حضور فامیل و آشنایان در این کار، مشاهده ثروت دیگر مهاجران کجرو، پیشنهاد و تشویق دوستان به این کار تمامی به‌عنوان عوامل و شرایطی محسوب می‌شوند که مهاجرت کجروانه دیگر افراد ساکن روستا را مهیا می‌کنند. یکی از پاسخگویان (خانواده‌ها) می‌گوید:

مهاجرت برای فروش مواد مخدر، همه‌جا هست ولی از سرطهران شروع شد. یعنی سرگروه فروشنده‌ها از این روستا هستند و خیلی ثروت هم جمع کردند و همه با دیدن این‌ها تشویق شدن برای فروشندگی مواد مخدر. با ماشین‌های میلیاردی شون می‌آن منطقه بعد برگشتشون به تهران خیلی از جوون‌های بقیه روستاها مشتاق به رفتن به تهران و فروش مواد مخدر در این شهر می‌شن. امسال پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان کوهدشت دوربین‌های مداربسته برا عید نصب کرده بودن که هر ماشین مدل بالایی وارد منطقه بشه پلاکش رو ثبت کنن، به خاطر همین همشون با پراید آمدن شهرستان و ماشین‌های میلیاردی شون را با خودشون نیاوردند.

در ارتباط با این مقوله یکی از پاسخگویان (فروشنده‌ها) می‌گوید:

«فامیل بودیم. کسی بود که قول داده بود اگه پیام تهران حمایتم می‌کنه و بدون پول، مواد در اختیارم می‌ذاره یعنی به‌صورت امانت بهم می‌ده که بفروشم و بعدش بهش پول موادش رو برمی‌گرداندم و سودش رو برای خودم برمی‌داشتم»

از نظر ساترلند، رفتار مجرمانه عمدتاً در گروه‌های اولیه و مخصوصاً در گروه‌های همسال آموخته می‌شود. پیشنهاد فروش مواد مخدر توسط فامیل و آشنایان فرد یکی از زمینه‌های گرایش افراد به این کار است. افراد زمانی که موفقیت‌های مالی فامیل و دوستان خود را در این کار می‌بینند بیشتر مشتاق به انجام این عمل می‌شوند.

همه‌گیر بودن مهاجرت‌ها

مهاجرت‌ها در این روستا فراوان است و تقریباً به پدیده‌ای عادی برای اهالی آنجا تبدیل شده است. زیاد شدن مهاجرت‌های کج‌روانه فقط منحصر به مردم عادی و دارای تحصیلات پایین نیست بلکه افراد تحصیل کرده و حتی گروهی از زنان نیز برای انجام این کار به تهران مهاجرت می‌کنند. همان‌طور که گفته شد، میزان اثرگذاری مهاجرت‌های کج‌روانه به حدی زیاد بوده است که منجر به مهاجرت افراد تحصیل کرده نیز شده است. شاید بتوان گفت مهاجرت قشر تحصیل کرده پیام تلخ‌تری را با خود حمل می‌کند. بدین معنا که هدف نظام آموزشی کشور برای آموزش و تربیت آن‌ها تحول، تغییر، اثرگذاری بر ساختارهای جامعه، جهت حرکت سریع‌تر در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه بود. زمانی که این افراد به کارهای مجرمانه که برای آینده جامعه خطرناک است و نسل جوان آن را تهدید می‌کند مشغول می‌شوند، می‌توان گفت که آن هدف‌ها و آرمان‌ها برای این افراد بی‌ثمر بوده است. در مصاحبه‌هایی که انجام گرفت این افراد بر نقش نبود شغل برای جوانان تحصیل کرده تأکید می‌کردند که نتیجه آن، این‌گونه مهاجرت‌هاست. یکی از مصاحبه‌شوندگان (فروشنندگان) می‌گوید:

«همه این بدبختی‌ها برمی‌گردد به سیستم اداری فاسد این کشور، آگه سیستم اداری این کشور کارش رو خوب انجام می‌داد، من تحصیل کرده باید الان به کار رسمی داشتم نه اینکه به خلافکار باشم، سیستم اداری فاسد این کشور امثال من رو به یه انگل تبدیل کرد.»

مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت

انسان‌ها از دیرباز برای جابه‌جایی مکانی خود با یک سری عوامل جاذبه و دافعه در مکان مبدأ و مقصد روبه‌رو بوده‌اند. مسلماً هرکدام از این عوامل تأثیرگذارتر باشند می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در مهاجرت یا عدم‌مهاجرت آن‌ها داشته باشند. مهاجرت اهالی روستاهای مورد مطالعه تحت تأثیر شدید عوامل دافعه مبدأ و عوامل جاذبه مقصد بوده‌اند. عوامل جاذبه مانند کسب استقلال مالی، کسب آسایش، رفاه خانواده و عوامل دافعه مثل عدم رغبت جوانان به انجام کارهای سنتی که نوعی تغییر الگوی سبک زندگی افراد را نشان می‌دهد، به این صورت که جوانان آن منطقه تمایلی به تجربه سبک زندگی‌های جدیدتری نسبت به سبک زندگی والدین و پیشینیان خود دارند، به‌همین دلیل مهاجرت را وسیله خوبی برای رسیدن به خواسته‌های خود

زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کج‌روانه‌ی فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت می‌دانند. مهاجرت پدیده‌ی پیچیده‌ای است که افراد برای تصمیم به انجام آن، باید انگیزه‌های قوی داشته باشند که به صورت جدی مصمم به عملی کردن آن شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (زن خانواده) می‌گوید:

الان نگاه کنید که وضع زندگی من چطوره (خیلی فقیر و ضعیف بودند)، شوهرم کار نداره، بیکاره، اگه کارگری هم باشه شوهرم اینجا کارگری می‌کنه ولی نیست. اصلاً اگه این منطقه کار باشه کسی نمی‌ره سمت این کار. نگاه کن تو این منطقه کسی که کارمند دولتی که تو این کار نیست، کسی تو این کاره که بیکاره، واقعاً خرج زندگی‌ها بالا رفته، زمانی که بیکارند می‌رن سمت این کار، وقتی که می‌رن و می‌بینن که پولش خوبه، دیگه عادت می‌کنن.

یکی دیگر (دختر خانواده) می‌گوید:

«وقتی جوانی بیکاره تو خونه، می‌بینه هم‌محله‌ایش که تو کار فروش ماده چندتا خونه تو تهران داره، اینجا بهترین ساختمان رو برای تفریح خانواده‌اش ساخته، ماشین‌های ارزان قیمتشون ۵۰۰ میلیونه، همه وسوسه می‌شن تهران برن»

شرایط اجتماعی و اقتصادی تهران

تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر کشور، جمعیت زیادی را در خود جای داده است. تراکم جمعیتی در این شهر، شرایط اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای را برای آن به‌وجود آورده است. تراکم جمعیتی شهر تهران، منجر به کاهش فرصت‌های شغلی برای ساکنان این شهر شده است. افرادی که به تهران مهاجرت می‌کنند از یک‌سو با مشکلاتی مانند بیکاری و هزینه‌های بالای زندگی مواجه می‌شوند و از سوی دیگر متوجه تفاوت طبقاتی خود، هم با ساکنان مرفه شهر تهران و هم با مهاجران فروشنده‌ی مواد مخدر می‌شوند. زمانی که فرد مهاجر نمی‌تواند هزینه‌های زندگی‌اش را با شغل بی‌ثبات خود تأمین کند، دچار مشکل می‌شود، و چرخ زندگی‌اش از حرکت می‌ایستد. به‌همین دلیل به‌دنبال راه‌چاره‌ای برای رهاشدن از این وضعیت می‌گردد. فردی که از منطقه محروم و با شرایط زندگی نامناسب به شهری مثل تهران مهاجرت می‌کند مسلماً وقتی که در این شهر، با شرایطی که توصیف شد روبه‌رو می‌شود، در اولین فرصت به سراغ کارهای مجرمانه می‌رود؛ چون در چنین شرایطی، از سوی فروشنده‌های همشهری خود نشانه‌هایی را دریافت می‌کند که رفتن به سمت کار خلاف و مرتکب‌شدن جرم را برای او راحت‌تر می‌کند. یکی از پاسخگویان (فروشنندگان) در این رابطه چنین توضیح دادند:

«من خودم رفته بودم تهران، ۴۷ روز بیکار بودم. می‌رفتم دور این میدان‌ها برای کارگری با یه کیسه دستم، اونجا همشهری‌هایم فروشنده‌های مواد مخدر رو می‌دیدم که با ماشین شاسی‌بلند از کنارم رد می‌شدن و بهم نگاه هم نمی‌کردن؛ همین باعث شد من رفته سمت فروش مواد مخدر».

یکی دیگر از پاسخگویان (فروشنندگان) می‌گوید:

«خیلی‌ها فقط به قصد کارگری می‌آیند و بعدش به فروش مواد مخدر رو می‌آورند. چون کار نیست و منم خودم چنین شرایطی برام پیش اومد تو تهران با کسانی آشنا شدم که تو کار فروش مواد مخدر هستند آشنا می‌شوند»

تراکم جمعیتی در تهران برای فرد مهاجر کج‌رو مزیت‌هایی را به‌همراه دارد. شلوغی کلان‌شهرها برای انجام کارهای خلاف محیط‌های مستعدی هستند. افراد مجرم در شلوغی این شهرها و در میان بی‌تفاوت شهروندان آن نسبت به اطراف خود، می‌توانند با خیالی نسبتاً آسوده از لحاظ ناشناس و غریبه‌بودن در این شهر به کار خود ادامه دهند. همچنین کلان‌شهری مانند تهران، مسلماً جمعیت معتاد زیادی را دارد که مصرف‌کننده و نیاز به تهیه مواد داشته باشند. مصرف‌کننده زیاد به‌منابۀ فروش زیاد مواد است؛ یعنی افراد فروشنده مواد مخدر در محیط شلوغی مثل تهران که جمعیت معتاد آن زیاد است می‌توانند مواد بیشتری را نسبت به شهرستان بفروشند.

تغییرات جَوّی و اقلیمی

این مقوله نیز از مقولات مشترک در یافته‌های دو گروه خانواده‌ها و فروشنندگان درگیر در کار فروش مواد بود. تغییرات اقلیمی یکی از چالش‌های جدی جامعه انسانی است. این پدیده با وقوع رویدادهای مثل خشکسالی در سال‌های متمادی، سیل‌های با شدت بالا، سرما و گرمای بی‌موقع، گرم‌شدن زمین و... خودش را نشان می‌دهد. این عوامل منجر به یک سری مهاجرت‌ها در سرتاسر دنیا شده است. این‌گونه مهاجرت‌ها را پژوهشگران، مهاجرت‌های زیست‌محیطی می‌نامند؛ مشکلاتی که منجر به مهاجرت افراد از محل زندگی‌شان به نقاط دیگری می‌شود. این مشکل نیز در منطقه مورد مطالعه در دو دهه اخیر به شکل‌های گوناگون اتفاق افتاده است. منطقه طرهان در طول دو دهه گذشته تجربه چند سال پدیده خشکسالی را داشته است. پیامد این پدیده کم‌شدن تولیدات کشاورزی بوده است؛ دام‌پروران منطقه مذکور مجبور به فروش دام‌های خود شده‌اند. با این اتفاق مردم مشاغل عادی خود را در محل زندگی‌شان از دست داده‌اند. مشکل دیگری که این خشکسالی‌ها به‌وجود آورده‌اند، کمبود آب آشامیدنی در منطقه مورد مطالعه است. مردم این مناطق دچار کمبود آب هستند و آب آشامیدنی آن‌ها خیلی سخت تأمین می‌شود. یکی از پاسخگویان (اهالی) در این ارتباط می‌گوید: «اینجا شغل مردم کشاورزیه که اون هم چند ساله خشکسالیه، وقتی کار نباشه، مردم فقیر و بی‌پولند و می‌رن تهران»

تنش‌های خانوادگی و معضلات جمعیتی

خانواده و محیط آن یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که فرد در آن جامعه‌پذیر می‌شود. فرد در خانواده با خیلی از هنجارها و ارزش‌های جامعه‌اش آشنا می‌شود و نحوه روابط در اجتماع را یاد

می‌گیرد. در واقع می‌شود گفت که در بین نهادهای که فرد می‌تواند از طریق آن‌ها پرورش پیدا کند، خانواده نقش بسزا و مهمی دارد. در واقع فرد از درون این کانون است که یاد می‌گیرد در جامعه چگونه رفتار کند. اگر این نهاد نتواند نیازهای اولیه و مهم فرزندان را فراهم کند و به نیازهای روحی، روانی و غیره آن‌ها پاسخ دهد، منجر به شکل‌گیری شخصیتی در فرد می‌شود که سرشار از عقده و کمبود می‌باشد، لذا برای جبران این کمبودهایش، متوجه بیرون از خانواده می‌شود که بتواند آن‌ها را تأمین نماید. در این پژوهش جمعیت زیاد خانواده‌ها یکی از مشکلاتی بود که خانواده‌های مورد مطالعه از آن رنج می‌بردند. خانواده‌ای که پتانسیل و ظرفیت تربیت و رشد یک فرزند را ندارد، دارای ۱۲ بچه است، به شکلی که نمی‌توانند پاسخگوی حداقل‌های نیازهای آن‌ها مانند لباس، غذا و مکانشان باشند، این مسئله نیز منجر به این می‌شود که هر کدام از فرزندان پسر اگر به سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی رسیدند مدرسه و درس را رها کنند و برای تأمین نیازهای خودشان وارد بازار کار شوند. بازار کاری که باید به خاطرش به شهرهای بندر نشین ایران یا پایتخت مهاجرت نمایند. شروع کار از سن پایین و در پی آن تن‌دادن به کارهای سخت برای نوجوانی که باید در مدرسه یا محله خودش مشغول بازی می‌بود، تماماً منجر به زدگی از کار و کارگری برای فرد می‌شود که در اولین فرصتی که در زندگی‌اش به دست بیاورد از آن فرار می‌کند. کار خلاف و غیرقانونی نیز یکی از راه‌های فرار از دام کارهای سنگین و کم‌سود می‌باشد که افراد مورد مطالعه نیز اکثراً این راه را انتخاب نموده‌اند. گروهی از این افراد به خاطر فوت پدر از داشتن آن محروم بودند و به همین دلیل خود مجبور به تأمین هزینه‌های زندگی‌شان شده بودند.

یکی از پاسخگویان (خانواده‌ها) می‌گوید:

«ما بچه بودیم پدرمون فوت شد و یتیم بزرگ شدیم. ۱۰ بچه بودیم برادرهای کوچیک‌ترم هر کدوم رفتند تهران کار کنند که خرج زندگی شون رو بدن که اونجا رفتند سمت فروش مواد مخدر. برادرهای من از بیکاری و فقر رفتند تهران که خرج خودشان رو دربیارن.»

یکی دیگر از پاسخگویان (خانواده‌ها) می‌گوید:

«وضعیت مالی ما اصلاً خوب نبود، پدرم فوت شده بود. ۱۲ بچه بودیم و هر کدوم از برادرهام می‌رفتند تهران برای کار که خرج زندگی‌مون رو بدن که یواش‌یواش وارد کار خلاف شدن و بقیه هم رفتن تهران» یکی از تنش‌هایی که برخی از این خانواده‌ها با آن دست‌به‌گریبان بودند، اعتیاد پدر و سرپرست خانواده بود. در واقع این خانواده‌ها از تأمین هزینه‌های زندگی از سوی پدر خانواده محروم بودند. لذا فرزندان پسر خانواده مجبور به انجام کار حتی در سن خیلی پایین بودند. در واقع این افراد در زندگی خانوادگی‌شان از مسئله‌ای به اسم مواد مخدر و اعتیاد پدرشان، صدمه و آسیب‌های جدی دیده بودند؛ این افراد راه برای جبران تمام ضرر و زیان‌های اعتیاد و مواد مخدر پدرشان، را مواد مخدر

و فروش آن تشخیص داده بودند و برای اینکه بتوانند جبران مافات کنند، به فروش مواد مخدر مشغول شده بودند.

یکی دیگر از پاسخگویان (فروشنده‌ها) می‌گوید:

«پدرمون معتاد بود خرج ما رو نمی‌داد و همه‌ش بیکار بود. منم مجبور بودم خودم برم کار، بعد از مدتی کار، فروش مواد رو شروع کردم.»

کم‌شدن کنترل خانواده‌ها

از آنجایی که اکثر مهاجران به طور میانگین در سن ۱۷ سالگی اقدام به مهاجرت می‌کنند. سن مهاجرتشان مصادف با پایان دوره نوجوانی و ورود به دوره جوانی یعنی دوره شور و هیجان است. این گروه، سرشار از غرور و آرزوهای دوره جوانی می‌باشد. آنان در این سن معمولاً به دنبال استقلال و گریز از کنترل خانواده‌ها هستند. به نوعی می‌توان گفت این افراد، سرشار از شور و هیجان برای تجربه شرایط خطرناک هستند و اغلب برخلاف دوران کودکی و نوجوانی، حرف‌شنوی زیادی از والدین خود ندارند. گروهی از این افراد دائم در پی انجام اعمال خطرناک و سرشار از ریسک هستند. فروش مواد مخدر نیز تجربه‌ای جدید برای آنهاست که با اقدام به این کار نه تنها از خانواده خود مستقل می‌شوند، بلکه با نقض قوانین در بین دوستان کج‌رو خود، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و از برجسب بی‌عرضه و نگاه تحقیرآمیز مهاجران هم‌سن‌وسال خود رها می‌شوند. مقوله کم‌شدن نقش کنترلی خانواده‌ها شامل مفاهیمی مانند بی‌خبری خانواده‌ها از شروع به کار خلاف فرزندان، گوش‌ندادن به حرف والدین و خوشبین‌نبودن خانواده‌ها به ترک این کار از سوی فرزندان‌شان بود. درواقع این مقوله، این واقعیت را گوشزد می‌کند که خانواده از آن نقش سنتی‌اش که تربیت و کنترل فرزندان بود، دور شده است و دیگر توانایی اجرای این نقش را ندارد. عدم توانایی خانواده‌ها در اجرای نقش سنتی‌شان برای جامعه یک سری مشکلات را به همراه داشته است. از جمله این مشکلات می‌توان به گرایش جوانان به انجام کار مجرمانه نام برد. زمانی که جوانی برای حرف پدر و مادرش گوش شنوایی نداشته باشد، اگر یک زمانی به کار خلاف و مجرمانه گرایش پیدا کند، دیگر مخالفت خانواده نمی‌تواند مانع انجام این کار شود. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید: «مطمئنم پسر از زندان برگرده اصلاً از این کار دست برنمی‌داره. دامادم هم چند سال زندانی بود الان آزاد شده، می‌گه انجام نمی‌دم ولی مطمئنم دوباره می‌ره سمت این کار»

یکی دیگر از پاسخگویان می‌گوید:

من برادرهام به حرف پدرمادرم گوش ندادن. اگه جوان‌ها به حرف پدر و مادرشون گوش بدن، پدرمادرها می‌تونند بهشون بگن که سمت این کار نرن ولی مشکل اینه که به حرف پدرمادرشون گوش نمی‌دن. من الان خودم بچه‌هام به حرف‌هام گوش می‌دن و اجازه نمی‌دم که هیچ‌وقت برن سمت این کار، هرچند

زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کجروانه‌ فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوهدشت
بچه‌های منم پدرشون به خاطر این مسئله (فروش مواد مخدر) دستگیر شد و
داخل زندان فوت شد. بچه‌هام دیگه سمت این کار نمی‌رن.

قبیح فروش مواد مخدر در مبدأ

محیط اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، نقش مؤثری بر فرد، رفتارها و کنش‌های وی دارد. اقدام به کارهای مجرمانه از مواردی است که از محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. ازجمله این کارها می‌توان به فروش مواد مخدر اشاره کرد. از آنجایی که فروش مواد مخدر تجارتي پرسود است در هر مکانی می‌تواند انجام بگیرد؛ ولی شدت و ضعف آن متأثر از شرایط گوناگونی است. مسئله مهم پژوهش حاضر، این بود که چرا مهاجران فروشنده مواد مخدر برای انجام این جرم به تهران مهاجرت می‌کنند و در همان شهر خود این کار را انجام نمی‌دهند. پاسخ این سؤال را می‌توان در مسائل محیطی و اجتماعی موجود در این شهرستان یافت. یکی از این مسائل، قبیح فروش مواد مخدر در بین اهالی شهرستان است. در میان مردمان شهرستان کوهدشت، دیدی منفی و منفور نسبت به کسانی که در این منطقه اقدام به فروش مواد می‌کنند، وجود دارد و انجام این کار زشت و بسیار ناپسند تلقی می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت در این شهرستان نگرش و دیدی متفاوت نسبت به فروشنده‌های مشغول به فروش مواد در شهرستان با کسانی که مهاجرت کرده و در تهران مشغول به این کار هستند، وجود دارد. بدین معنی که حسن نفرت و انزجاری که در بین مردمان این منطقه، نسبت به فروشندگان مواد مخدر در سطح شهرستان وجود دارد، در رابطه با فروشندگان مهاجر این احساس و نگرش دیده نمی‌شود. از دلایل وجود این نوع نگرش می‌توان به اعتیاد جوانان این منطقه به وسیله فروشندگان محلی اشاره کرد؛ اما فروشنده‌های مهاجر به دلیل کسب منزلت اجتماعی و احترام حاصل از ثروت، مورد تنفر نیستند و کارشان از سوی مردم زشت پنداشته نمی‌شود. این مسئله یکی از موانع انجام این جرم در سطح شهرستان است. یکی از پاسخگویان (فروشندگان) می‌گوید:

«در کوهدشت جا نیفتاده مواد بفروشی، یه جورایی زشته، مشتری هم تو این شهر کمتره چون جمعیتش زیاد نیست، مشتری‌های تهران زیادند و راحت می‌تونن موادت رو بفروشی.»
یکی دیگر از پاسخگویان (اهالی) می‌گوید:
«کسانی که تو منطقه خودمون مواد می‌فروشند، پیش مردم چهره منفی دارند و کسی اون‌ها رو قبول نداره»

جاذبه‌های اقتصادی مهاجرت نابینجار

انسان موجودی است که زندگی در محیط اجتماعی او را فردی با انتخاب‌های عقلانی بار آورده است. در واقع انسان کنشگر اجتماعی است که یاد گرفته رفتارهایش براساس انتخاب‌های عقلانی

باشد، بنابراین در زندگی خود همواره به دنبال کسب بیشترین پاداش‌ها است. فروشندگان مواد مخدر نیز با کار فروش مواد به دنبال کسب بالاترین پاداش‌ها هستند. در واقع این افراد وقتی به ازای کار فروش مواد، پاداش‌های هنگفتی را دریافت می‌کنند، جاذبه این پاداش‌ها آنها را به انجام دوباره فروش مواد سوق می‌دهد. این کار به مرور زمان طبق صحبت‌های خود فروشندگان مهاجر به یک گُنش درونی شده برای آنها تبدیل شده است که ترک آن برایشان سخت است. لذا افراد درگیر در کار فروش مواد که به دنبال کسب بیشترین پاداش‌ها هستند، به انجام کارهای قانونی که سود و منفعتش از کار فروش مواد مخدر کمتر است، رضایت نمی‌دهند و حاضر به انجام این گونه کارها نیستند. این مسئله به‌ویژه درباره فروشندگانی که سودهای کلانی از این راه عایدشان شده است، بیشتر صدق می‌کند. یکی از پاسخگویان (فروشندگان) در این ارتباط می‌گوید:

«اگه ماهی ۵ میلیون دربیارم بدون اینکه کاری انجام دهم حاضرم این کار رو ترک کنم (می‌خندد). راستش شخص من که خلاف کردم شاید به راحتی رفتم و پول زیاد دستم اومده نمی‌تونم کار قانونی قبول کنم.»

همان‌طور که می‌دانیم مردمان جوامع جهان سوم فاصله طبقاتی را به صورت نجومی تجربه می‌کنند. در چنین جوامعی مسلماً فردی که در دهک‌های پایین جامعه زندگی می‌کند از طریق کارهای عادی و قانونی نمی‌تواند فاصله طبقاتی خود را کم کند. یکی از راه‌هایی که این افراد از طریق آن می‌توانند تحرک طبقاتی صعودی را تجربه نمایند، انجام کارهای مجرمانه است. از آنجایی که کارهای مجرمانه با سودهای هنگفت همراه هستند، لذا یکی از جاذبه‌ها و محرک‌هایی که افراد را به انجام چنین رفتارهای متمایل می‌کند همان مسائل اقتصادی آن است. افراد درگیر در این پدیده، ضرب‌المثل «یک شبه ره صد ساله را طی کردن» را به صورت عینی تجربه می‌کنند. ثروت‌ها و سرمایه‌های کلانی که این افراد از طریق فروش مواد به دست می‌آورند همواره مشوقی برای دیگران بوده و درجه اشتیاق و تمایل آنها را به انجام این کارها بیشتر کرده و می‌کند.

یکی دیگر از پاسخگویان (اهالی روستا) می‌گوید:

«اینجا همه مشغول این کارند. نگاه کنید اون ساختمان روبه‌روی خونه‌مون رو می‌بینی، ۷۰۰ میلیون هزینه‌اش کرده (خونه‌ای که برای تفریح چند روزشون تو روستا ساخته بودند)، صاحب اون خونه هیچی نداشته، چوپونی می‌کرد، دیگه از نداری و فقر رفت تهران و شروع کرد به این کار و الان نگاه کن خونه‌ش رو، اینقدر ثروت داره که اصلاً باورنکردنیه.»

کسب پول و ثروت و تغییر اوضاع و شرایط فعلی فرد همواره یکی از وسوسه‌انگیزترین دلایل مهاجرت می‌باشد. با تغییر و تحولاتی که در اوضاع اقتصادی فروشندگانی مهاجری که خیلی پیش‌تر به تهران مهاجرت کرده‌اند، بر مهاجرت سایر جوانان هم‌محله‌ایشان تأثیر فراوانی گذاشته است. به طوری که می‌توان گفت زیاد شدن مهاجرت‌ها خود دال بر این واقعیت است.

یکی از اهالی روستا می‌گوید:

«راستش توقع همه‌شون بالا رفته، رقابت و چشم و هم‌چشمی که بین همه‌شون هست دیگه حاضر نمی‌شن که از این کار دست بکشند.»

ناکارآمدی نظام کنترل رسمی

این مقوله یک مقوله‌ی مشترک در بین یافته‌های مربوط به مصاحبه با خانواده‌ها، اهالی، فروشندگان مواد مخدر است. این مقوله شامل مفاهیم مختلفی از جمله عدم تأثیرگذاری مجازات، فروشندگی مواد منبع درآمدی برای قوه قضاییه و فساد در بین نیروی انتظامی است. از زاویه دید فروشندگان مواد مخدر و همچنین خانواده‌های آنان مجازات‌هایی که در حوزه فروش مواد مخدر صورت می‌گیرد، تأثیر مثبتی در جلوگیری از فروش مواد مخدر فروشندگانه نداشته است. این افراد معتقد بودند که شدت مجازات‌ها هم نتوانسته است از میزان فروش مواد مخدرشان کم کند. لذا دیدگاه و ارزیابی مثبتی نسبت به مجازات اعدام نداشتند. در واقع تمام بخش‌هایی که وظیفه حفظ و استقرار امنیتی جامعه را بر عهده دارند و در بخش پیشگیری و مبارزه با جرم فعالیت می‌کنند، در ساختارهای خود دچار نواقص و ضعف‌هایی هستند که منجر به افزایش کجروی‌ها در سطح جامعه شده است. و این خود مانعی بس بزرگ در موفقیت‌آمیز بودن کنترل‌ها محسوب می‌شود. یکی از پاسخگویان (فروشندگان مواد مخدر) می‌گوید:

«پارتنی داشتیم آزاد شدم، از بالاترین تا پایین‌ترین رده قوه قضائیه رشوه می‌گیرند، از همه پول می‌گیرند، این مواد فروشی ما وسیله‌ای برای درآمدزایی خودشونه. ما دستگیر می‌شیم از ما به واسطه یک پارتنی پول می‌گیرند، بعد ما رو آزاد می‌کنند.»

یکی از پاسخگویان (فروشندگان) می‌گوید:

«یه مأمورانی توی نیروی انتظامی هستن که پول می‌گیرن و سریع آزادت می‌کنند، تو اون منطقه که ما هستیم یه مأمور بود که می‌دونست کی مواد می‌فروشه. اون رو دستگیر می‌کرد و ازش پول می‌گرفت که آزادش کنه»

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق مصاحبه با نمونه‌های مورد مطالعه نشان داد که آنان فشارهای ساختاری و تغییرات محیطی مانند خشکسالی‌های مداوم در شهرستان را به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز مهاجرت‌های کجروانه می‌دانند. به بیانی دیگر، شکل‌گیری مهاجرت‌های کجروانه در منطقه مورد مطالعه را می‌توان به این شکل تشریح کرد: این مهاجرت‌ها که عمر آن شاید به بیش از یک دهه می‌رسد از پیامدهای دو پدیده به اسم تغییرات جوی و اقلیمی شهرستان و وجود ساختارهای اقتصادی و اجتماعی معیوب در شهرستان کوهدشت است - (فشارهای ساختاری). از آنجایی که شغل اصلی

مردم شهرستان کوهدشت و منطقه مورد مطالعه کشاورزی دیم و دامپروری به شکل سنتی است، رخداد پدیده خشکسالی بر زندگی مردمان این شهرستان مخصوصاً منطقه طرهان تأثیر وافر بر جای گذاشته و شرایط بخصوصی را به وجود آورده است - (از بین رفتن شکل و ساختار شغلی)، خشکسالی برای مردمان این دیار به معنای از دست دادن شغل خود بوده؛ چراکه نبود باران منجر به از بین رفتن شغل کشاورزی و دامپروری در این شهرستان و منطقه مورد مطالعه به طور ویژه شده است. کشاورزی این منطقه به صورت دیم است. مردم این منطقه وضعیت خشکسالی و عدم برداشت محصولات کشاورزی را در دو دهه گذشته تجربه کرده‌اند (ناکامی در شغل)، ماحصل این پدیده، مسئله‌ای به نام بیکاری و از بین رفتن منبع درآمد (کشاورزی) خانوارهای ساکن در منطقه بوده است. بنابراین مردم این منطقه باید به دنبال جایگزینی برای کار قبلی خود می‌بودند. اما از آنجایی که شهرستان کوهدشت از لحاظ ساختار اقتصادی متکی به سیستم کشاورزی بوده و از لحاظ توسعه بخش صنعتی هیچ‌گونه امکاناتی را نداشته، می‌توان گفت که به فقر ساختارهای اقتصادی لازم برای توسعه شهرستان دچار است. به عبارتی می‌توان گفت این شهرستان در توزیع منابع و ظرفیت‌های شکل‌گیری بخش صنعتی در سطح کشور، سهمی از این بخش نصیب نشده است. بنابراین با چنین شرایطی نمی‌توانست بسترهایی و محیط‌های جایگزینی مانند کارخانه‌ها برای استخدام این افراد داشته باشد، و حتی این ساختار ضعیف نتوانست در طی سال‌های متمادی خشکسالی‌ها با انجام کارهای زیرساختی مانند احداث سد در منطقه به خاطر وجود رودخانه سیمره در مجاورت این روستاها، نوع کشت اهالی روستا را از دیم به آبی تغییر دهند. بنابراین با توجه به تغییرات جوی و نبود ساختارهای لازم و همچنین عدم مدیریت صحیح و حتی رسیدگی نکردن مسئولین به منطقه مذکور، تمام این عوامل منجر به بیکار شدن تعداد زیادی از مردم منطقه مورد مطالعه شدند. واکنشی که اهالی منطقه مخصوصاً قشر جوان در مواجهه با این شرایط اقتصادی و اجتماعی «بیکاری، نبود کار، فقر و نداری، عدم رسیدگی مسئولین» از خود نشان دادند تصمیم به مهاجرت از منطقه بود. در واقع این افراد برای گسست از مدارهای توسعه‌نیافتگی و شکستن چرخه‌های فقر و بیکاری، مصمم به مهاجرت به شهر تهران شدند. هدف گروه‌های اولیه مهاجران منطقه مخصوصاً قشر جوان، دستیابی به کار و تأمین نیازهای حداقلی زندگی خود و خانواده بود. این افراد از آنجایی که در محیط زندگی خود با انجام کارهای سخت کشاورزی و دامپروری، قوی بار آمده بودند به همین دلیل در تهران تن به انجام کارهای خیلی سنگین و سخت با درآمد کم می‌دادند؛ ولی از آنجایی که شرایط اقتصادی تهران منجر به تجربه حاشیه‌نشینی، نبود کار و بالا بودن هزینه‌های زندگی برای افراد مهاجر و همچنین ناکامی در انجام کارهای قانونی به صورت دائمی شده بود (ناکامی در دستیابی به وسایل مشروع)، این افراد با تجربه چنین شرایطی به سمت کارهای غیرقانونی کشیده شدند. شروع این کار در شلوغی و بزرگی شهر تهران، برای این افراد

به‌عنوان غریبه‌های ناشناس، ابزار خوبی برای بیرون آمدن از وضعیت بد اقتصادی بود. شروع این کار برای این افراد با موفقیت‌های مالی همراه بود. کارهای غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر معبری برای گذار از وضعیت بد زندگی قبلی بود. ادامه این کار در تهران از سوی این افراد دلایل گوناگونی مانند ناشناس ماندن در شلوغی و بزرگی این شهر، بی‌تفاوتی مردم تهران به اطراف خود (تراکم جمعیت، بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه ورث) زیادبودن معتادان در شهر تهران که برای آن‌ها فروش زیاد مواد را به همراه داشت، تمام این دلایل منجر به ثروتمند شدن این گروه اولیه شد. تغییرات زندگی این افراد مانند خوب شدن وضعیت زندگی و در نتیجه دستیابی به رفاه، رها شدن از کارهای سخت مانند کارگری منجر به تشویق اهالی منطقه برای روی آوردن به این کار شد (یادگیری اجتماعی). از آنجایی که شرایط محیطی و اجتماعی شهرستان کوهدشت به خاطر تراکم پایین جمعیت، اجازه انجام این کار را در شهرستان نمی‌داد و علاوه بر این، انجام این کار در شهرستان سود زیادی برایشان به همراه نداشت، تمام این شرایط منجر به ادامه این کار یعنی فروش مواد مخدر در تهران شد. بنابراین با پدید آمدن چنین شرایطی، در واقع محرک‌هایی برای مهاجرت سایر اهالی ایجاد شد. بیکاری اهالی (ناکامی در دستیابی به وسایل مشروع) از یک سو و مشاهده ثروت و اوضاع مالی تغییر کرده هم‌محلی‌ها از سوی دیگر، کشش‌هایی برای مهاجرت آن‌ها به وجود آورد (یادگیری اجتماعی). در این بین، ناکارآمدی نظام کنترل رسمی به خاطر دریافت رشوه جهت آزادسازی مجرمان (فساد نظام کنترلی)، تأثیر بسزایی در این مهاجرت‌ها داشت، چراکه این افراد با فهم و درک این مسئله که مکانیسم‌هایی برای تأمین امنیت خود در صورت دستگیر شدن دارند، بنابراین دیگر نگرانی و ترسی برای آن‌ها به خاطر انجام فروش مواد مخدر باقی نمی‌ماند. ماحصل این مهاجرت‌ها که دستیابی به رفاه برای افراد مهاجر بود، منجر به همه‌گیر شدن مهاجرت‌ها در طول چند سال گذشته شده است. در این شرایط بیشتر جوانان (پسران) این منطقه به تهران مهاجرت کرده‌اند. همسران فروشنده‌ها به این کار روی آورده‌اند، و حتی شماری از تحصیل‌کردگان این روستاها مشغول این کار در تهران شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت مهاجرت‌های کج‌روانه، تحت فرآیندهای محرومیت و فشارهای ساختاری، مهاجرت و ناکامی در پیدا کردن کار قانونی در نتیجه گرایش به فروش مواد مخدر و موفقیت در این کار منجر به همه‌گیر شدن این مهاجرت‌ها در منطقه مورد مطالعه شده است.

مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جدول ۵. مقوله هسته استخراج شده از مقولات محوری و مفاهیم مصاحبه با فروشندگان - اهالی و خانواده

نوع مقوله‌ها	شرایط زمینه‌ای	شرایط علی	شرایط مداخله‌گر	مکانیسم‌های تداوم‌دهنده	مکانیسم‌های کنترل‌کننده	پیامدی
مقوله‌های محوری انجام شده	تغییرات محیطی و اقلیمی	بی‌امکانی و بیکاری	کم‌شدن کنترل خانواده‌ها	فساد نظام کنترل‌کننده	نگرش منفی والدین به فروش مواد	محرک‌های تداوم مهاجرت
		محرومیت و فقر	تنش‌های خانوادگی و معضلات جمعیتی	مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت	قبیح فروش مواد مخدر در مبدأ	همه‌گیر بودن مهاجرت‌ها
		-	یادگیری و تجربه کج‌روی	-	-	-
		-	شرایط اقتصادی و اجتماعی تهران	-	-	-
مقوله هسته			فشار ساختاری، شبکه‌های محلی و دسترسی به فرصت‌های رفتار کج‌روانه			

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۴) *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه مینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ چهارم، تهران: نی.
- اوبرای، آمارجیت سینگ (۱۳۷۰) *مهاجرت، شهرنشینی و توسعه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- آتش‌پور، حمید و تورج محمدزاده (۱۳۸۹) «مهاجرت و جرم: نقش مهاجرت در پیدایش انواع جرایم»، *علوم تربیتی: اصلاح و تربیت*، مهر ۱۳۸۹، شماره ۳۳: ۳۱-۳۵.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵) *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نشر تهران دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حمدی، کریم و سروش فتحی (۱۳۸۸) «عوامل مؤثر در گسترش مهاجرت به کلان‌شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال اول، پیش‌شماره سوم: ۱۹-۳۶.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) *مهاجرت*، تهران: سمت.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱) *آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: آوای نور.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱) *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷) *آسیب‌شناسی اجتماعی*، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: سمت.
- فلیک، اووه (۱۳۹۳) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کج‌روانه‌ی فروشندگان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت

- قاسمی اردهائی، علی (۱۳۸۵) «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹)»، *روستا و توسعه*، دوره ۹، شماره ۱: ۲۳-۴۱.
- کاظمی، مسعود (۱۳۹۳)، «تأثیر اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان گردان»، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، دوره یکم، سال اول، شماره ۴: ۱۱۸-۱۰۱.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) *روش تحقیق کیفی ضدروش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمودیان، حسین و علی قاسمی اردهائی (۱۳۹۱) «شبکه‌های اجتماعی مهاجرت در مناطق روستایی؛ مطالعه کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران»، *توسعه روستایی*، دوره چهارم: ۱۲۸-۱۰۹.
- مداح، مجید و ابراهیم خیرخواهان (۱۳۹۰) «تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان شهر سمنان)»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲۵: ۱۳۰-۱۰۷.
- ملکمیان، لینا و سعید شریفیان (۱۳۸۸) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال دوم، شماره پنجم: ۱۶۹-۱۴۳.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵) *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی.
- Nordstrom, B. R., & Dackis, C. A. (2011) 'Drugs and Crime', *The Journal of Psychiatry & Law*, 39 (4): 663-687.
- Sommers, I., Baskin, D. & Fagan, J. (2005) 'The Structural Relationship between Drug Use, Drug Dealing, and other Income Support Activities among Women Drug Sellers', *Journal of Drug Issues*, 26 (4): 975-1006.
- Takenaka, A., & Pren, K. A. (2010) 'Determinants of Emigration: Comparing Migrants Selectivity from Peru and Mexico', *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 630 (1): 178-193.
- Valdez, A. & Sifaneck, S. J. (2004) 'Getting high and Getting by Dimensions of Drug Selling Behaviors among American Mexican Gang Members in South Texas', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 41 (1): 82-105.